



زیارت نجف از نگاه زنان مسافر قاجاری

آستان بوسی شاه لوکشف

زهره ترابی

دبیر چاردیواری

سفر به قصد زیارت از گذشته در خاطره جمعی ایرانیان ثبت شده. چه سفرهای یک روزه و کوتاه و چه سفرهای طولانی و چندماهه بیشتر به قصد دیدن یک مکان زیارتی بودند. زنان پایتخت نشین عهد ناصری برای تفریحات کوتاه مدتشان یا به بقعه بی بی زبیده می رفتند یا سیده ملک خاتون. گاهی

راهی امامزاده گل زرد یا آل علی می شدند گاهی هم حرم حضرت عبدالعظیم یا گورستان سر قیراقا و چهارده معصوم را زیارت می کردند. درباره سفرهای خارجی هم کار سخت تر از این بود. زنان خوش اقبالی که توان مالی و همراهی محارم را داشتند، می توانستند به سفرهای زیارتی بروند. سفر به کشور عراق و زیارت

نجف آرزوی زنان زیادی بود که کمتر پیش می آمد محقق شود. از بین زائران نجف هم عده بسیار کمی از آنها سواد نوشتن داشتند و حال و هوای این سفر را مکتوب کرده اند. در آستانه سالروز شهادت امام علی (ع) مروری داشته ایم بر این سفرنامه های زنان که به همت نشر اطراف منتشر شده است.

عجالتا روزی مشرف می شوم به حرم مطهر

پیش از ظهر رسیدیم به نجف اشرف. الحمدلله همه صحیح و سالم رسیدیم. بر پدر شترهای دیوانه لعنت که از جبل به این طرف چند کجاوه را زمین زدند و خرد کردند. چند نفر سر و دست و پایشان شکست. امروز که اربعین بود، جای همگی خالی، مشرف شدم به حرم مطهر، دعاگوی همه بودم.

امروز که سه شنبه بیست و یکم است، صبح رفته حمام، چه حمام؛ از کثافت چه عرض کنم. به هر طور بود خودی شستم، آمدم. وقتی که آمدم، شنیدم در طهران، اصفهان، همدان، همه جا ناخوشی وبا است. و... اگر حالتی برابم باقی مانده. دردهای خودم یک طرف، این غصه یک طرف. گریه کنان رفتم رو به امیرالمؤمنین دعا کردم. جایی هم هست که کسی خبر از هیچ جا ندارد. از قرار ظاهر جلوی زوار را هم در کرمانشاه گرفته اند. به واسطه وبانمی گذارند بیایند. بعضی ها می گویند در کرمانشاه هم وبا هست. رضاً بقضاء!... هر چه خدا خواسته خوب است.

امروز که چهارشنبه بیست و دوم است، صبح مشرف شدم به حرم مطهر. ظهر آمدم خانه، یک لقمه نانی زهرمار کردم. هی خبر می شنوم که کجا وبا است، کجا وبا است. حالی برای من باقی نمانده. خداوند جمع مسلمانان را محافظت کند به خصوص اهل کرمان را. هوای نجف اشرف هم بسیار گرم است. از مکه، از مدینه، از جبل، از همه جا گرم تر است. آنچه خدا خواسته می شود. عجالتا روزی دو دفعه مشرف می شوم به حرم مطهر. دعاگوی همگی هستم. امروز که پنجشنبه بیست و سوم است، صبحی مشرف شدم به حرم. عصری هم رفته وادی السلام به زیارت هود و صالح و اهل قبور. از آنجا شب به حرم مشرف شدم. در مسجد زنانه از هر ولایتی آدم بود. دور هم نشستیم، دعا کردیم که خداوند این بلا را از جان مسلمانان دور کند. من که و... اگر هوش داشته باشم یا حواس.

امروز که روز جمعه بیست و چهارم است، صبحی مشرف شدم به حرم، از آنجا توی بازار. باری توی بازار در صحن نگاه کردم، دیدم الحمدلله وفور نعمت، هندوانه، خربزه، لیموی ترش و شیرین، ولی کوچک و سبز است، رطب های خوب، همان رطب زردی که در همه جا بود، در نجف هم هست. رطب حنایی می گویند. نیز ماست های کیسه ای خوب از گمرکات می آورند. همه چیز خوب ولی ما خیلی کم می خریم. امروز که روز شنبه بیست و پنجم است، صبحی به حرم مطهر مشرف شدم. جای همگی خالی، الهی خداوند نصیب همه بکند ولی نه مثل من، به اختیار خودشان اما با وجود این سختی و مرارت، همه را قبول دارم. اگر از این بالاتر صدمه نخورم، قبول دارم. الحمدلله به زیارت چنین بزرگواران مشرف شدم.

منبع: چادر گردیم رفتیم تماشا/ سفرنامه عالیله خانم شیرازی

خاک آستان مبارک را به چشم کشیدم

باران به طوری شدید شد که یکدفعه تمام صحرا را دریا دیدم. بعضی جاها تا شکم قاطرها را آب گرفت. بعضی جاها تا زانویشان را. خلاصه باران خوب ما را شست و شو نمود تا یک ساعت و نیم به غروب مانده، بحمدا... به وادی السلام رسیدیم. چشمم به نور گنبد مطهر روشن شده هزار مرتبه شکر خدا نمودم که نمردم و به این فیض عظمای رسیدم.

خداوند عالم روزی و نصیب همه دوستان بگرداند که یک هفته روزی به این وادی مشرف بشوند و این قندیل نور را زیارت نمایند. هر چه می خواهم وصف نمایم زیارت گنبد مطهر را عقلم نمی رسد که چه بنویسم. عصر روز شنبه، بیستم رجب به سلامتی وارد نجف اشرف شدیم و در خانه حاجی سید محمدعلی که پسر عموی سیده خانم است ما را پیاده کرده. بعد از صرف چای، بوته زیادی آوردند و لباس های همراهان را خشک کردند. اگر چه تا ۱۰ روز دیگر هم خشک نمی شوند. امروز و امشب که تازه وارد شدیم هر چه خواستیم حرم مطهر مشرف شویم، گفتند ممکن نیست. اگر کسی بخواهد از کوچه ها گذر بکند باید پایش را برهنه کند و به آب بزند یا به دوش حمال برود. من نرفتم. امشب را مهمان سنگین و رنگین شدم. خانه نشستیم. یکشنبه، بیست و یک رجب المرجب، منزل سی و یکم، نجف اشرف. صبح از خواب برخاسته نمازی خواندیم. چای خورده چادر کردم. هر چه گفتند صبر کنید قدری کوچه ها خشک بشود دیگر قبول نکرده، رفته، هر طوری بود از کوچه ها گذشتم به بهشت روی زمین که حقیقت صحن حضرت امیرالمؤمنین (ع) است وارد شده، خاک آستان مبارک را بر چشم کشیدم و هزار مرتبه شکر خدا را به جای آوردم و دعا به وجود مبارک حضرت ظل... شاهنشاه عالم پناه اعلی حضرت اقدس شهریار - روح العالمین فدا - نموده و دوام عمر و دولت و صحت و سلامت و وجود مبارکش را از خدا خواستم و طلب مغفرت و زیارت اولی را برای ولی نعمت حقیقی شاه شهید -نورا... مرقده- نموده و ادای دعا و تبلیغ سلام و عرایض همه حق داران را نموده «یارب دعای خسته دلان مستجاب کن.» قربان امیرالمؤمنین (ع) بگردم که زیارتش دل آدم را روشن می کند. خدا قسمت همه دوستان بگرداند که به این بهشت برین بیایند.

منبع: خانم فردا کوچ است / سفرنامه و قارالدوله

ایوان نجف عجب صفایی دارد...

روز پانزدهم خیال نجف اشرف و آستان بوسی شاه لوکشف است. خدا نصیب همه شیعیان کند. به اتفاق همراهان از راه خشکی طائف طوف حرم شاه مردان و شیر یزدانم: «جهان اگر فنا شود / علی فناش می کند / قیامت اگر به پا شود / علی به پاش می کند / که هست دست دست او / ولی خدای می کند.» من که حالت شوقی به خود ملاحظه می کنم که سر از پانمی دانم. صبح سوار شدیم، عصر وارد شدیم به خان شور، منزل شد، شب را ماندیم. صبح برای شهر حرکت شد. دو ساعت از آفتاب گذشته چشمم به قبه منور حضرت امیر افتاد. حالتی برابم به هم رسید که در هیچ جا ندیده بودم. وادی السلام هم بسیار صحرای روشن است. وارد شدیم. اول به خانه بدی منزل داده بودند، دیدم نمی شود ماند، عوض کردیم. فوراً خانه بسیار ممتازی رفتیم که کم همچو منزلی در نجف است. بیرونی، اندرونی، تحتانی، فوقانی همه خوب، پاکیزه. شکر خدا به جا آورده مشرف شدم: «ایوان نجف عجب صفایی دارد / حیدر بنگر چه بارگاهی دارد / ای کعبه به خود مناز از روی شرف / جایب بنشین که هر که جایی دارد» قریب یک اربعین در خدمت اسدا... الغالب و مظهرالعجایب مشرف بودیم. خیلی هم دوستان و آشنایان مهربانی به عمل آوردند.

منبع: سه روز مانده به آخر دریا / سفرنامه شاهزاده خانم قاجاری